

<http://www.Yashilmisho.com>

Email: Info@Yashilmisho.com

Print: 1399/04/15



باستان شناسی

شهرستان شبستر و آثار تاریخی آن

شبستر مرکز شهرستان شبستر از مناطق حاصلخیز و سرسبز آذربایجان به شمار می رود که در ۶۰ کیلومتری شمال غرب تبریز و بر سر راه تبریز، سلماس و در مسیر خط آهن تبریز ترکیه واقع شده است.

در لغتنامه دهخدا درباره شبستر چنین آمده است.

و قصبه مرکز بخش شبستر واقع در ۵۳ هزار گزی باختری تبریز.. نام یکی از بخشهای ششگانه شهرستان تبریز.

در رابطه با اوضاع جغرافیائی و تاریخی شبستر در بخش گذشته و در مبحث ارواق و انزاب مطالبی ارائه گردید که در این قسمت از ذکر مجدد آنها خودداری شده تنها به یک تعداد مطالب جدیدتر اکتفا می گردد.

در ارتباط با وجه تسمیه نام شبستر برخی معتقدند که :

شبستر معرب کلمه چوستر یا چوستر یا چیستر است و چي چست در لغت زندی به معنی کوه و کوهسار می باشد و تر پسوند آن است و بر روی هم معنی کوهپایه یا دامنه کوه می دهد . با در نظر گرفتن اینکه اغلب جغرافی نگاران قدیم نام دریاچه ارومیه را چي چيست ضبط کرده اند ، این حدس به یقین تبدیل می شود که شبستر نام خود را از این دریاچه گرفته و در هر حال از نام های قبل از اسلام است . در افسانه های محلی که سینه به سینه نقل شده است می گویند که نام شبستر (شب بستر) بوده است زیرا پادشاهان ساسانی ضمن لشکر کشی بر علیه امپراطوران روم در همین محل اطراق و استراحت می کرده اند .

این شهر تا عصر قاجاریه جزو املاک قاجاران بوده و بعد از انقراض این سلسله املاک ودارائی شاه در ردیف خالصجات دولتی درآمد تا اینکه در سال ۱۳۱۱ این ناحیه از عرصه دولت درآمد و به مالکین رقبات (ارثی) انتقال داده شده است .

حوزه نفوذ این شهر بعنوان مرکزیت منطقه شبستر ، بواسطه خدماتی که در هر بخش ارائه می دهد با شهرهای تسوج ، خامنه ، شرفخانه و سیس و صوفیان در ارتباط می باشد .

در ادامه به اختصار به برخی از آثار و بناهای مهم تاریخی شهر شبستر اشاره می شود.

مسجد جامع شبستر

بنای نخستین این مسجد شاید در زمان ایلخانان صورت گرفته اما در حوادث زمان در امان نمانده ، بارها فروریخته و از نو تعمیر و تجدید بنا یافته است اکنون ۴۲ گنبد ضریبی آن بر روی سی پایه عریض آجری قرار گرفته است. در بالای در ورودی مسجد، طاق سنگی جالبی نصب شده که بالای آن دو کتیبه سنگی به چشم می خورد. مضمون کتیبه پایین چنین است : الامانه تجرالرزق و الخیانه تجرالفر

در کتیبه بالا چنین نوشته شده است : وفق تعمیر هذا المسجد الجامع الكبير في ايام جلاله سلطان الاعظم الخاقان، الاكرم، مولى ملوك العرب و العجم، سيد السلاطين العالم، السلطان السلطان، والخابان بن الخاقان، السلطان شاه طهماسب بهادرخان خلد تعالی مکه و سلطانه عمده الحاج و لاعیان و زبده التجار فی الزمان، بانی مبانی الخیرات، صاحب الجود والبرکات و حاجی بیرام بن آقا بابا الشبستری فی ۹۹۸ در تاریخ کتیبه ظاهرا هنگام نقر اشتباهی رخ داده و به جای ۹۷۸ هـ ق، ۹۹۸ نوشته شده است. زیرا که سال نهصد و نود و هشت هجری قمری مقارن با دوران سلطنت و فرمانروائی شاه عباس اول بوده است نه زمان شاه طهماسب صفوی که به طور روشن نام وی در سنگنبشته آمده است.

مسجد، ایوان و مناره ای نیز دارد که ستونهای ایوان و کلاهدک مناره همه چوبی و تازه و متعلق به نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری است.

درباره این مسجد روایات افسانه ای نیز در بین عوام رواج یافته است:

چنانکه می گویند در زیر یکی از ستونهای متعدد آن گنجینه ای نهفته است و نوشته ای روی هر کدام به مضمون زیر بوندادی اوندادی یعنی در این یکی نیست. در آن یکی است ثبت شده است و گویا به خاطر این بوده که کسی نتواند ستونها را جهت یافتن گنجینه خراب کند و نیز گویند در کنار یکی از ستونهای آن، چنین نوشته است ما چهل تخم مرغ را به یک شاهی خریدیم، لیکن زن خود را طلاق ندادیم، که هر چند افسانه است، عبر آموز است.

دیگر مساجد شبستر عبارتند از : مسجد آخوند، سی و سه بیگ، شبگاه، قلعه باغ یتیم مسجدی، مسجد چای، مسجد کج خانه.

وی برادر امام حسین می باشد . در بین مردم این ناحیه مشهور است که در حدود ۱۲۵۰ سال قبل ، محمد حنفیه عده ای از یارانسان در پی تعقیب دشمنان به منطقه ارونق و انزاب آمده و در مسیر خود از روستای الماس عبور کرده و به شبستر رسیده است و از ایشان خواسته که محل اختفای ایشان را به کسی نگویند . می گویند که مردم الماس هر چند به زبان نگفته اند ولی با اشاره چشم مسیر ایشان را به دشمنان نموده اند و از آن تاریخ به بعد چشم اکثر اهالی این روستا چپ شده است . محمد حنفیه طی تعقیب دشمنان به محله چهل کس (چهل گزی) می رسد و چون چهل گزی یا چهل کس مشهور شده است و معتقدند قبر این چهل نفر در گورستان چهل گزی شبستر قرار دارد .

در مکان موسوم به محمد حنفیه سنگی قرار دارد که بعد از شهادت مریدانش به اعتقاد عامه ، وی در کنار این سنگ غیب می شود . شایان ذکر است این مکان آنچنان که باید و شاید نگاه داری نشده است ولی از قدیم الایام اهالی منطقه نذر و نیتزهای خود را در آن محل بر گذار می نمایند.

مقبره شیخ محمود شبستری

شیخ محمود شبستری از مردان عارف و نامی شبستر بوده که در زمان سلطنت شیخ محمد خدابنده و ابو سعید ایلخانی به عنوان عارف بزرگ محسوب می شده است.

همانگونه که در مبحث مشاهیر و مفاخیر شبستر به شخصیت شیخ محمود و زندگانی وی اشاره شده وی طی مسافرتها متعددش در اواخر عمر به شبستر بازگشته و فوت نموده است پیکر او را در وسط باغچه ای به نام گلشن در کنار مقبره استادش بها الدین یعقوب تبریزی به خاک سپرده اند. این مقبره از آن زمان تاکنون در شبستر پا بر چاست و تا به امروز زیارتگاهی که مردم با نذورات و قربانی ها از راههای دور و نزدیک به زیارت آن می شتابند.

مریدان شیخ برای وی و استادش بها الدین مقبره ای ساختند و برای هر دو سنگ نبشته ای جداگانه به صورت مرمرین نصب نمودند. راجع به شیخ بهالدین درمبحث مشاهیر ومفاخر شبستر بحث و بررسی گردیده است

واما

متن سنگ نبشته شیخ محمود چنین است :

هذا المرقد الشريف جناب شيخ المشايخ شيخ محمود شبستري رحمه الله عليه که در سرپرده قدم بر بساط فضل نهاد و از کاس اولیای کبار شربت محبت چشید و به دست جناب قطب الاولیا مولانا بها الدین یعقوب علیه الرحمه خرقة ولایت پوشید و در سنه عشرین و سبع مائه در سن سی و سه سالگی از این دار فانی به عالم جاودانی رحلت فرمود رحمه الله علیه

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

و اما این مقبره چند با مرمت شده است از جمله

صحنه مقابر ایشان به مرور زمان ریخته و خراب شده بود، حاجی میرزا آقاسی مرحوم در اواخر عمر تجدید عمارت کرده و سنه ۱۲۶۷ میرزا حسینخان سپهسالار هم که به پیشکاری ایالت آذربایجان رفته است دوباره تعمیر و مرمت نموده است و در چندی قبل به همت تیمسار سرلشکر حسن مقدم نیز تعمیر شده است .

حدود سی سال قبل نیز این بنا در کنار اداره اوقاف شبستر قرار گرفته و تعمیر شده است

در باغچه مقبره چند قطعه سنگ دیگر وجود دارد .

سه قطعه از این سنگها جالب و ارزنده است ، دو قطعه از آنها شکل صندوق دارند که احتمال می رود از سنگهای پایه در ورودی باغچه بقعه بوده اند و دیگری پایه سنگی مقرنس مشعلی است از نوع سنگهای کبود معمولی

مقبره ملانا جلالدین یعقوب تبریزی

همچنین مولانا بها الدین یعقوب تبریزی که استاد شیخ محمود بوده است، مقبره اش در جوار شیخ محمود شبستری است که بعد از فوت شیخ محمود، مقبرع ای از سوی مریدانش برای وی و بابا یعقوب ساخته و برای هر یک سنگ نبشته مرمرینی اختصاص داده است.

متن سنگ نبشته بابا یعقوب این چنین است.

هو الحی الذی لایموت. هذا المرقد الشريف جناب قدوه العارفين الساکنین، مولانا بها الدین یعقوب علیه الرحمه. أنت جناب از اولاد خادم شیر بیشه ولایت مالک اشتر است و جناب شیخ محمود از جمله تربیت یافتگان آن حضور بزرگوار است. علو مرتبه جناب مولانا را همین بس است که مانند جناب شیخ محمود رحمه عیه از دامن تربیت ایشان برخاسته.

آفاتب آمد دلیل آفتاب، و این (دو) لوح شریف در سنه هزار و دویست و شصت و هفت در این (دو) مقام شریف نصب گردید.